

## مطالعه عوامل تأثیرگذار بر انگیزه بخشی و پویایی فعالیت های فرهنگی دانشجویان و تاب آوری آن در دانشگاه

زهرا مالمیر/کارشناسی ارشد امور فرهنگی برنامه ریزی امور فرهنگی / دانشگاه فنی و حرفه ای (دانشکده دکتر شریعتی)

### چکیده

برنامه های فرهنگی یکی از مهمترین ابزار تکامل و توسعه فرهنگ در هر جامعه می باشد که می توان بنیان های فرهنگی آن را با تهیه یک طرح و برنامه جامع در کنار یک مدیریت هوشمندانه تقویت نمود تا موجب رشد و توسعه آن جامعه در تمام زمینه ها گردد. پژوهش حاضر که با هدف تبیین مهمترین عوامل تأثیرگذار بر انگیزه بخشی و پویایی دانشجویان نسبت به برنامه های فرهنگی دانشگاه و تاب آوری آن مورد مطالعه قرار گرفت، یافته های حاکی از آن است که، نقش ارزنده دانشگاه در توجه به سه رکن «هدایت»، «حمایت» و «نظارت» در فعالیت های فرهنگی و فراهم آوری سازوکارهای اجرایی لازم برای حمایت از هرگونه فعالیت منسجم و خلاق فرهنگی و اجتماعی و واگذاری مسئولیت مستقیم طرح ها و برنامه های متعدد فرهنگی به دانشجویان فعال و فرهیخته فرهنگی را نباید از نظر دور داشت، امری که انگیزه و شور و نشاط فرهنگی در تمام لایه های دانشجویی و... را برای آنان به ارمغان می آورد. همچنین، پژوهش حاضر بیانکننده اهمیت افزایش تاب‌آوری دانشجویان با بهبود در میزان حمایت اجتماعی و سطح رشد اجتماعی است.

واژه های کلیدی: عوامل تأثیرگذار، برنامه های فرهنگی، دانشجویان، دانشگاه

## ۱. مقدمه

### ۱-۱. بیان مسأله

فرهنگ مجموعه‌ای از ارزش‌ها و باورهای خاص هر جامعه است که حفظ و باور عمیق نسبت به آن نقش حیاتی و تعیین‌کننده در رشد و بالندگی و ثبات آن جامعه ایفا می‌کند به گونه‌ای که امام خمینی (ره) در وصیت‌نامه الهی - سیاسی خود می‌فرماید: «فرهنگ مبدأ خوشبختی‌ها و بدبختی‌های ملت است... آن چیزی که ملت‌ها را می‌سازد فرهنگ است... اگر فرهنگ درست بشود، یک مملکت اصلاح می‌شود».

زندگی بشر امروزی، بیش از هر زمان دیگر با پدیده فرهنگ نسبت دارد. جامعه ایرانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سیمای فرهنگی بیشتری پیدا کرده و همین مسأله، واگذاری سیاستگذاری فرهنگی به دولت یا نهادهای خارج از دولت، از مسایلی است که در میان اندیشمندان از اجماع نظر برخوردار نیست. حرکت در مسیر تحقق دانشگاه تمدن‌ساز، تربیت دانشجویان توانمند و تقویت کارکردهای دوگانه تولید علم و فرهنگ، نیازمند طراحی آگاهانه و اجرای برنامه‌های فرهنگی متنوع و تأثیرگذار است.

گفتنی است، یکی از مهمترین ارکان تأثیرگذار بر فرهنگ و جلوه‌های رفتاری، مادی و معنوی آن دانشگاه‌ها هستند که علاوه بر رسالت علمی - آموزشی، بازتولید و غنی‌سازی مبانی فرهنگی و ارزش‌های فرهنگی را بر دوش دارند. در واقع، آموزش عالی، تسهیل‌کننده توسعه فرهنگی است و این کار با اشاعه و ترویج تفکر و بازآفرینی فرهنگ است.

از اینرو، در این پژوهش تلاش می‌شود تا عوامل گرایش دانشجویان به برنامه‌های فرهنگی در محیط دانشگاهی مورد بحث و بررسی قرار گیرد تا پاسخی مناسب و منطقی به سؤال اصلی تحقیق: عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان به برنامه‌های فرهنگی دانشگاه چیست؟ بیان نماید.

## ۲-۱. پیشینه تحقیق

در انجام هر پژوهش علمی و هدفمند، مروری بر تحقیقات پیشین و مرتبط با اهداف تحقیق ضروری است. بدین منظور بررسی‌هایی جهت شناخت تحقیقات انجام شده و مرتبط با پژوهش حاضر صورت گرفته است.

پژوهشی توصیفی تبیینی با عنوان «بررسی نگرش دانشجویان شیراز نسبت به برنامه‌های فرهنگی و هنری و عوامل مؤثر بر شرکت آنها در این فعالیت‌ها» توسط ملیحه نیک کار و همکاران (۱۳۸۴) با جامعه آماری دانشجویان دانشگاه شیراز در گروه‌ها و مقاطع مختلف آموزشی و با ابزار سنجش پرسش‌نامه کتبی انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که میزان علاقه دانشجویان به برنامه‌های فرهنگی و هنری نسبتاً زیاد است و این افراد ضرورت برنامه‌های فرهنگی و هنری را در حد نسبتاً زیادی حس می‌کنند اما میزان آگاهی آنان از این برنامه‌ها بسیار ناچیز است. صباغ پور (۱۳۷۳) به بررسی نگرش‌های سیاسی و مذهبی جوانان ذکور تهرانی (۱۷ تا ۲۲ سال) و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آنها پرداخت. محقق مذکور پس از ارائه نظریات مختلف در باب گرایش و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن، مدل نظری خود را با التقاطی از نظریات ارائه می‌دهد.

هاشم زهی (۱۳۹۰)، «عوامل مکرر بر گرایش دانشجویان به برنامه‌های فرهنگی دانشگاه»، در این تحقیق نتایج نشان می‌دهد که هرچه میزان گرایش دانشجویان به فرهنگ غرب بیشتر باشد میزان گرایش آنان به برنامه‌های فرهنگی دانشگاه کمتر می‌شود. گرایش دانشجویان به برنامه‌های فرهنگی در دو دانشگاه و میانگین ارزیابی دانشجویان از میزان برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های فرهنگی در دو دانشگاه یکسان می‌باشد. دانشجویان دانشگاه تهران شرق در مقایسه با دانشگاه شهید بهشتی ارزیابی مثبت تری از میزان تطابق برنامه‌های فرهنگی دانشگاه با نیازهای خود دارند. گنجی و همکاران (۱۳۹۷)، «مطالعه عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت فرهنگی در فضای دانشگاه»، نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی در بخش دانشجویان، تأثیر مستقیم متغیرهای استفاده علمی از اینترنت و رضایت‌مندی از سیاست‌های حمایتی دانشگاه بر مشارکت فرهنگی دانشجویان و در بخش استادان تأثیر مستقیم متغیرهای استفاده علمی از اینترنت، سرمایه فرهنگی و رضایت‌مندی از سیاست‌های حمایتی دانشگاه بر مشارکت فرهنگی استادان را نشان می‌دهند. در

مجموع متغیرهای وارد شده به معادله رگرسیونی، ۳۲ درصد از واریانس مشارکت فرهنگی دانشجویان و ۵۹ درصد از واریانس مشارکت فرهنگی استادان را تبیین کردند.

سعدی و فتحی (۱۳۸۸)، نیز پژوهشی درباره فرهنگ مشارکت و تعاون انجام دادند. آنها به این نتیجه رسیدند که موانع توسعه فرهنگ تعاون در جامعه از منظر اعضای هیئت علمی و دانشجویان، به ترتیب عبارت‌اند از: نبود انگیزه و نگرش مثبت به تعاون، بی‌اعتمادی به تعاون در دولت و مردم، فردگرایی در جامعه ایران و بی‌اعتمادی به یکدیگر و گرایش‌های سنتی و نبود نهادهای اجتماعی.

### ۳-۱. اهمیت و ضرورت تحقیق

امروزه اهمیت برنامه‌های فرهنگی بر کسی پوشیده نیست. به ویژه در دانشگاه به عنوان مهمترین سازمان تأثیرگذار بر سایر نهادهای جامعه می‌توان برنامه‌های فرهنگی را از جمله مهمترین برنامه‌ها برشمرد. از طرفی برنامه‌ای که نتواند در ظاهر و باطن تغییر ایجاد کند و شرایط را اصلاح نماید، بی‌تأثیر بودن خود را اثبات کرده است. دانشگاه با پرورش انسان‌های توانا و فرهیخته و آموزش نخبگان و برگزیدگان یک جامعه، یکی از مهمترین نهادهای آموزشی در توسعه فرهنگی است. فرهنگ دانشگاهی از عوامل مؤثر بر توسعه علمی است و بین‌چگونگی و مختصات فرهنگ دانشگاهی و میزان رشد و توسعه علمی رابطه وجود دارد. از اینرو، ضرورت دارد تا عوامل تأثیرگذار بر گرایش دانشجویان به امور فرهنگی مورد مذاقه قرار گیرد تا بتوان از یافته‌های پژوهش حاضر در مساعد کردن مسیر بهره‌مند شد.

### ۴-۱. روش تحقیق

پژوهش حاضر، در شیوه مطالعه و تحقیق خود، از روش تحلیلی و کابخانه‌ای بهره می‌برد. در این پژوهش، ابتدا سعی شد مطالب مهم مرتبط و مورد نیاز از منابع مطالعاتی و پیشینه تحقیق، جستجو و در فیش‌های تحقیقی با ذکر مشخصات آن منابع نوشته شود و سپس اطلاعات جمع‌آوری و ثبت شده، با نظمی منطقی، دسته‌بندی و با توجه به تجربیات فردی در حوزه فرهنگی، مورد بررسی قرار گیرد. در واقع، این مقاله درصدد است با نگاهی موشکافانه و تجربه‌گرا، با رویکردی راهبردی و با تحلیلی بر مطالعات انجام گرفته

در این خصوص، با هدف دست یافتن به راهکارهای ایجاد پویایی در نهادهای دانشجویی و ارتقای سطح کمی و کیفی فعالیت های آنان، موضوع اصلی را از ابعاد مختلف مورد تفحص قرار دهد.

## ۲. مفهوم شناسی

واژه فرهنگ که به عنوان ترجمه **Culture** از فرانسه عاریت گرفته شده، در قرون وسطی به معنای پرستش مذهبی بوده و سپس به معنای پاشیدن بذر در زمین، به کار رفته و سرانجام در قرن ۱۸، در مفهوم تربیت روح بکار گرفته شد. در این دوران در اروپا از جمله آلمان - واژه فرهنگ در معنای بیان تکامل در پیشرفت به کار می رفت (گرامی، ۱۳۹۸: ۱۲).

یکی از تعاریف مهم فرهنگ تعریف تایلر است. با آنکه نقدهایی به تعریف تایلر وارد شده است، معمولاً در بیشتر کتاب ها و پژوهش ها محل ارجاع است. به نظر تایلر فرهنگ مجموعه پیچیده ای است که شامل معارف، معتقدات، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، سنن و بالاخره تمام عادات و رفتار و ضوابطی است که فرد عضو جامعه، از جامعه خود فرا می گیرد و در برابر آن جامعه وظایف و تعهداتی را بر عهده دارد (روح الامینی، ۱۳۹۶: ۱۷). تعریف دیگر از گی روشه است. از نظر او فرهنگ مجموعه به هم پیوست های از اندیشه ها و احساسات و اعمال کم و بیش صریحی است که بیشتر افراد گروه پذیرفته اند و برای اینکه این افراد، گروهی معین و مشخص را تشکیل دهند لازم است که آن مجموعه به هم، پیوسته عینی و سمبلیک، مراعات شود (همان: ۱۸).

رواج دوباره واژه «فرهنگ» در زبان فارسی در سه و یا چهار دهه گذشته و همچنین دگرگونی معنای آن نخست برای سازگاری با واژه **education** و سپس **culture** در زبان های اروپایی نشانه نیازی است تازه که همراه با پراکنش صورت تازه ای از تمدن و فرهنگ پیش آمده است. یعنی، نیاز به بیان مفهوم های تازه ای که در صورت کهن تمدن و فرهنگ ما کمابیش یافت نمی شد و یا روح آن تمدن با چنین مفهوم هایی بیگانه بود (آشوری، ۱۳۹۷: ۳). زیرا این انسان مدرن و جهان بینی اوست که چنین مفهوم هایی را برای شناخت انسان در متن طبیعت و تاریخ پدید آورده است. در فضای جهان مدرن است که، از سویی، رویکرد به عالم طبیعت علوم طبیعی را پدید آورده و، از سوی دیگر، کوشش برای فهم علمی و نظری چند-

و- چون روابط بشری، ساختارهای اجتماعی و در کل، پدیده‌های ویژه عالم انسانی، وجود علوم انسانی را نیز ضروری کرده است (ویلیامز، ۱۳۹۵: ۲۱).

از نظر سایپر فرهنگ شامل انواع مدل‌های اجتماعی رفتار است که به وسیله همه یا بیشتر اعضای گروه جامعه عمل به خود می‌پوشد و جامعه در حقیقت اصطلاحی فرهنگی است که افراد به نسبت روابطی که با یکدیگر دارند برای بیان بعضی از صور رفتارهای خود به کار می‌برند (همان). رالف لیتون فرهنگ را چنین تعریف می‌کند: فرهنگ ترکیبی از رفتار کسب شده است که به وسیله اعضای جامعه معینی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و میان افراد مشترک است (وثوقی و نیک خلق، ۱۳۷۰: ۱۱۸). به نظر کلارک ویسلر تمام واقعیت‌های اجتماعی به گسترده‌ترین معنای آن مانند زبان، زناشویی، نظام مالکین، ادب، مصنوعات، و هنر جزء فرهنگ به شمار می‌رود (همان: ۱۱۷).

سوروکین در تحلیلی نظری پدیده‌ها را به غیر ارگانیک، ارگانیک و سوپرارگانیک تقسیم کرده است. از نظر او پدیده‌های غیرارگانیک تنها از عاملی فیزیکی - شیمیایی تشکیل شده‌اند، در حالی که پدیده‌های ارگانیک علاوه بر آن عامل حیاتی نیز دارند. در پدیده‌های سوپرارگانیک علاوه بر دو عامل فیزیکی - حیاتی، عامل مجرد معنا نیز اضافه می‌شود. این عامل معنا که در سرنوشت پدیده‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای دارد، همان عامل فرهنگی است. از نظر او هیچ پدیده فرهنگی، فاقد معنا نیست (وثوقی و نیک خلق، ۱۳۷۰: ۱۱۹). به نظر شریعتمداری فرهنگ جامعه عبارت است از افکار، عقاید، آرزوها، مهارت‌ها، ابزار و وسایل، امور مربوط به زیبایی و کارهای هنری، آداب و رسوم و مؤسساتی که افراد اجتماع در میان آنها تولد یافته‌اند و رشد می‌کنند (شریعتمداری، ۱۳۸۰: ۲۸).

برنامه ریزی فرهنگی می‌تواند جهت بالابردن نظام مندی عرصه‌های نرم افزاری جامعه نقش نسبتاً کلیدی ایفا نماید که این خود می‌تواند بسترسازی فرهنگی مناسبی برای عرصه‌های سخت افزاری جامعه مثل سیاست و اقتصاد فراهم نماید. منظور از برنامه ریزی، مداخلات هدفمند و آگاهانه انسانی در سیر حوادث و فرآیندهاست که نتیجه آن ممکن است موفقیت‌آمیز باشد یا نباشد یا کم و بیش موفقیت‌آمیز باشد و یا اصلاً موفقیت‌آمیز نباشد. خوب، اگر نتایج موفقیت‌آمیز باشد، یعنی حوادث و فرآیندها عیناً همانند آنچه در برنامه تصور آنها رفته، در عالم واقع بازتولید شوند، در این صورت می‌توان به این مجموعه از حوادث و

فرآیندهای بازتولید شده مفهوم «برنامه ریزی شده» را اطلاق کرد. پس منظور از مفهوم «برنامه ریزی شده»، آن دسته از حوادث و فرآیندهایی است که توسط مداخلات آگاهانه انسانی شکل گرفته و در واقعیت بازتولید شده اند (سیف، ۱۳۸۴: ۷۱).

### ۳. چارچوب نظری تحقیق

#### ۳-۱. فرهنگ و عناصر آن

به نظر می‌رسد امری که بناست به عنوان فرهنگ تلقی شود، باید تحت یکی از عناوین پنجگانه ای که در ادامه می‌آید، قرار گیرد. براین اساس، امری را که از این پنج عنوان خارج هستند، اگرچه مرسوم و رواج یافته باشند، نوعاً نمی‌توان تحت عنوان فرهنگ قرار داد و آنها را جزئی از فرهنگ جامعه قلمداد کرد، هرچند ممکن است مبتنی بر فرهنگ جامعه یا مرتبط با آن باشند. این پنج عنوان که اساس فرهنگ یا جامعه را تشکیل می‌دهند عبارتند از:

۱. عقاید و باورها: مراد از عقاید و باورها، باورهای قدسی و عقایدی است که شامل ایمان به غیب می‌شود، نه عقیده و باور به معنای «رأی و نظر» طبیعتاً آگاهی و جهان بینی مقبول در یک جامعه و گرایش‌های فطری به امور معنوی، پایگاه اصلی سازنده عقاید دینی به حساب می‌آیند.

۲. نگرش‌ها: منظور از نگرش، برداشت، تلقی و قضاوت نهایی یک فرد درباره یک مفهوم، پدیده یا شخص است. ممکن است این برداشت و تلقی، مطابق یا برآیند آگاهی‌های او و یا حتی مغایر با برخی آگاهی‌های او باشد و نیز ممکن است صرفاً چند آگاهی از میان تمام آگاهی‌های مربوط به یک موضوع یا مفهوم، نگرشی را در فرد ایجاد کند به عبارت دیگر «نگرش مستوی با همه آگاهی‌ها نیست، بلکه نوعی جمع بندی و یا برداشت منتخبی از آگاهی‌هاست».

۳. علائق و گرایش‌ها: تمایلات و علاقمندی‌های افراد نیز جزء امری است که می‌تواند به عنوان عناصر کلیدی فرهنگ تلقی شود. گرایش اگرچه مانند برخی دیگر از عناصر فرهنگ، یک امر درونی و شخصی محسوب می‌شود، ولی آنجا که به هر حال بروز و ظهور بیرونی پیدا می‌کند، قابل شناسایی خواهد بود و هنگامی که وجه مشترک افراد یک جامعه می‌شود یک عنصر فرهنگی به حساب می‌آید.

۴. رفتارها و آداب شخصی: نوع رفتارهای افراد یک جامعه و آدابی که نحوه رفتار انسان را در موقعیت‌های مختلف زندگی شخص تعیین می‌کنند، یکی از مهمترین بخش‌های فرهنگ به حساب می‌آیند. شاید عبارت «سبک زندگی» بیشتر با این بخش تناسب داشته باشد.

۵. آیین و رسوم اجتماعی: منظور آن دسته از داب اجتماعی است که چگونگی تعاملات انسان را در مناسبات اجتماعی و زندگی جمعی تعیین می‌کند. رسوم مربوط به اظهار غم و شادی، سوگواری‌ها و اعیاد از اهم این آیین‌ها به حساب می‌آیند (پایگاه اطلاع‌رسانی معنوی، ۱۳۹۱).

قابل ذکر است، پدیده‌های انسانی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی باید در سه سطح تحلیل مرتبط با یکدیگر، مورد ارزیابی قرار گیرند. در واقع به تحلیل دو سطحی سنتی علوم اجتماعی و به ویژه جامعه‌شناسی - یعنی سطح خرد و کلان - باید سطح دیگری را هم افزود. این سطح تحلیل، سطح میانه نام گرفته است. بنابراین در هنگام تحلیل پدیده‌هایی که به انسان‌ها، آن‌هم در شکل و شمایل جمعی‌شان مربوط است و این تجمع تاریخ نیز دارد، باید به آنها در سطح خرد، در سطح میانه و بالاخره در سطح کلان نگریست (روح الامینی، ۱۳۹۶: ۶۳).

سطح کلان در برگیرنده ساختار جامعه و تاریخ مندی مندرج در آن است. برداشت ایستا از فرهنگ، آن را در سطح میانه قرار می‌دهد و بالاخره سطح هرد از افراد، شخصیت، رفتار و وقایع یاد می‌کند. اگر دیدی پویا در مورد فرهنگ اتخاذ شود، برای درک هرچه بهتر فرهنگ، ارتباط متقابل سه سطح فوق‌الزامی می‌گردد (کاظمینی، ۱۳۹۸: ۹۱).

### ۱-۳. مبانی ایجاد انگیزه و پویایی در فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی دانشجویان

#### ۱. نیازسنجی و ظرفیت‌سازی متناسب با علایق دانشجو

همواره در محیطی پویایی و نشاط وجود دارد که یا دارای جذابیت قابل توجهی باشد یا به بخشی از تمایلات و نیازهای افراد پاسخ دهد. در واقع، جذابیت و نیاز، از اهمیت خاصی در مشارکت‌پذیری دانشجویان برخوردارند. در مطالعه نیازسنجی فرهنگی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی شمال خراسان،



مهمترین نیازهای فرهنگی از منظر دانشجویان و اساتید که در رتبه های بالاتری قرار داشتند، نیازهای معطوف به جلب توجه و احترام و نیازهای آموزشی بود (عرب هاشمی و همکاران، ۱۳۹۲).

## ۲. برگزاری دوره های آموزشی مهارت آموزی

در جذب و ساماندهی اعضا و بکارگیری نیروهای جدید، نباید آموزش را در جهت ارتقای مهارت های فردی در راستای اهداف نهاد دانشجویی و کارآمدی آنان از نظر دور داشت. ارتقای سطح مهارت های فردی اعضا در کنار احساس تجربه اندوزی مفید توسط آنها در حین انجام فعالیت های فرهنگی و اجتماعی، بستر مناسبی را برای ایجاد رغبت به اینگونه فعالیت ها فراهم می سازد. یکی از مهمترین راهکارهایی که در ایجاد انگیزش در امور فرهنگی یاری رسانده و با تربیت نیرو، زمینه ارتقای سطح برنامه ها را فراهم می کند، برگزاری دوره های آموزشی مهارت آموزی است (سرو آزاد و همکاران، ۱۳۹۲).

## ۳. استفاده از ابزار نوین ارتباطی مجازی

روزآمد بودن در عرصه فرهنگی، بدون توجه و ورود به دنیای مجازی، در شرایط امروزی تقریباً میسر نیست، دنیایی که هم می تواند عامل پیشرو در رشد فرهنگ و هم عامل ایجاد آسیب های فرهنگی و اجتماعی باشد و اتفاقاً برای ممانعت از آسیب زایی آن در محیط های دانشجویی، باید بیش از پیش بدین مقوله پرداخت (شهابی و بیات، ۱۳۹۱). استفاده از این ابزار پرمخاطب، به روند پویایی و نشاط در عرصه فرهنگس سرعت می بخشد و ضروری است که دست اندرکاران فرهنگی دانشگاه ها، با ورودی منطقی و با رویکرد هدایتی و نظارتی، زمینه نشاط و پویایی در این فضا را در کنار استفاده سالم و رشدمحور از آن، مورد عنایت قرار دهند. هدایت و فضا سازی در این عرصه پرمخاطب که توسط گروه های دانشجویی شکل می گیرد، به معنای تصدی گری در فضای مجازی و شبکه های مجازی اجتماعی نیست، بلکه مستلزم یادگیری و مهارت حضور در فضای مجازی است که یکی از الگوهای شایستگی کارگزاران فرهنگی خواهد بود (چیت ساز، ۱۳۹۷).

## ۲-۳. عوامل تأثیرگذار بر انگیزه بخشی و پویایی فعالیت های فرهنگی دانشجویان

۱. نیازسنجی و ظرفیت سازی متناسب با علایق دانشجو

همواره در محیطی پویایی و نشاط وجود دارد که یا دارای جذابیت قابل توجهی باشد یا به بخشی از تمایلات و نیازهای افراد پاسخ دهد. در واقع، جذابیت و نیاز، از اهمیت خاصی در مشارکت پذیری دانشجویان برخوردارند. در مطالعه ای که توسط متقی و همکاران (۱۳۸۶) با موضوع میزان گرایش دانشجویان به انجمن های علمی صورت گرفت، دانشجویان مورد مطالعه ابراز کردند که از اردوها و بازدیدها و پس از آن از دوره های آموزشی، نسبت به سایر فعالیت ها استقبال بهتری شده و بهره بیشتری برده اند که بی تردید نشانگر اهمیت «جذابیت» در مورد اردوها و اهمیت «نیاز» در مورد آموزش دوره هاست. طبعاً هر جوان و دانشجویی نیاز دارد که هویتش را به رسمیت شناخته، به نیازهای فرهنگی و اجتماعی او توجه نمائیم و به مسائل فکری، عاطفی، روانی و شخصیتی او که از طریق برنامه های فرهنگی قابل پاسخگویی است، توجه کنیم، از اساسی ترین اصولی که باید در امور فرهنگی به آن اهتمام ورزیم، شناخت و اولویت بندی این نیازهاست (ابراهیمیان، ۱۳۹۱: ۱۳۵).

## ۲. برگزاری دوره های آموزشی مهارت آموزی

در جذب و سازماندهی اعضا و بکارگیری نیروهای جدید، نباید آموزش را در جهت ارتقای مهارت های فردی در راستای اهداف نهاد دانشجویی و کارآمدی آنان از نظر دور داشت. ارتقای سطح مهارت های فردی اعضا در کنار احساس تجربه اندوزی مفید توسط آنها در حین انجام فعالیت های فرهنگی و اجتماعی، بستر مناسبی را برای ایجاد رغبت به اینگونه فعالیت ها فراهم می سازد. یکی از مهمترین راهکارهایی که در ایجاد انگیزش در امور فرهنگی یاری رسانده و با تربیت نیرو، زمینه ارتقای سطح برنامه ها را فراهم می کند، برگزاری دوره های آموزشی مهارت آموزی است (سرو آزاد و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۵). توسعه فرهنگی نیازمند پذیرش افراد از یکسو و آموزش مستمر و مهارت آموزی آنان از سوی دیگر است.

## ۳. استفاده از ابزار نوین ارتباطی مجازی

روزآمد بودن در عرصه فرهنگی، بدون توجه و ورود به دنیای مجازی، در شرایط امروزی تقریباً میسر نیست، دنیایی که هم می تواند عامل پیشرو در رشد فرهنگی و هم عامل ایجاد آسیب های فرهنگی و اجتماعی باشد و اتفاقاً برای ممانعت از آسیب زایی آن در محیط های دانشجویی، باید بیش از پیش بدین

مقوله پرداخت. برکسی پوشیده نیست که شبکه‌های اجتماعی، مهمترین و پرتعدادترین ابزارهای نوین ارتباطی و رسانه‌ای در بستر اینترنت هستند، که گروهی از افرتاد را در یک اجتماع خاص و جدید در کنر یکدیگر قرار داده و ارتباطات آنها را ساماندهی می‌کنند. شواهد علمی حاکی از آن است که اکثر کاربران، به منظور تسهیل روابط فعلی، احیای ارتباط قدیمی و ایجاد و حفظ ارتباط دوستانه، به شبکه‌های اجتماعی مجازی روی آورده اند (شهابی و بیان، ۱۳۹۱: ۶۱-۶۲).

استفاده از این ابزار پرمخاطب، به روند پویایی و نشاط در عرصه فرهنگی سرعت می‌بخشد و ضروری است که دست اندرکاران فرهنگی دانشگاه‌ها، با ورودی منطقی و با رویکرد هدایتی و نظارتی، زمینه نشاط و پویایی در این فضا را در کنار استفاده سالم و رشدمحور از آن، مورد عنایت قرار می‌دهند. هدایت و فضاسازی در این عرصه پرمخاطب که توسط گروه‌های دانشجویی شکل می‌گیرد، به معنای تصدی‌گری در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی نیست، بلکه مستلزم یادگیری و مهارت حضور در فضای مجازی است که یکی از الگوهای شایستگی کارگزاران فرهنگی خواهد بود (چیت‌ساز، ۱۳۹۷: ۱۴۹).

#### ۴. نگاه توسعه محور و تعهدآمیز دانشگاه نسبت به نهادهای دانشجویی

مسئولان دانشگاهی باید بتواند ساختارها و سازوکارهای اجرایی لازم را برای مشارکت فعال و حمایت از هر گونه فعالیت فرهنگی و اجتماعی در هر عرصه قانونی فراهم کنند تا دانشجویان فعال و فرهیخته فرهنگی، مجال یابند مسئولیت مستقیم طرح‌ها و برنامه‌های متعدد فرهنگی را به دست گرفته، نقش فعالی را در این میدان وسیع یا میدان‌های خرد فرهنگی ایفا کنند تا در نهایت، انگیزه و شور و نشاط فرهنگی در تمام لایه‌های دانشجویی موج زند و سرزندگی و پویایی را برایش آنان و دانشگاه به ارمغان آورد (قاسمی، ۱۳۸۹: ۱۶).

مدیریت هدفمند و هدایت محور در عذرصه فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی دانشگاه و پایبندی دانشگاه به رسالتو تعهدات خود نسبت به نهادهای دانشجویی، در کنار شناخت تهدیدها و فرصت‌ها و نقاط ضعف و قوت، می‌تواند گامی بلند و تأثیرگذار در سیاستگذاری کلان فرهنگی دانشگاه باشد. در فرآیند سیاستگذاری و ساماندهی برنامه‌های فرهنگی نهادهای دانشجویی، مهمترین نکته‌ای که هیچگاه نباید از

نظر دور داشت، توجه به سه رکن «هدایت»، «حمایت» و «نظارت» در فعالیت های فرهنگی دانشجویان است. به تعبیری، تمام امور، فعالیت ها و برنامه های فرهنگی نهادهای دانشجویی، هم به نحو مطلوبی در جهت آرمان های سترگ فرهنگی کشور و دانشگاه هدایت شوند، هم از حمایت خوب مادی و معنوی برخوردار شوند و هم در این میان، از نقش نظارتی مدیریت های فرهنگی دانشگاه و دیگر سطوح بالای تصمیم سازی و سیاستگذاری فرهنگی غفلت نشود. در اینجا نوع بینش فرهنگی حاکم بر دانشگاه و فضای دانشجویی و دیدگاه مسئولین و اعضای هیأت علمی به نهادهای دانشجویی قابل تأمل خواهد بود (چیت ساز، ۱۳۹۷: ۱۵۰).

نوع نگاه مسئولین دانشگاه، مجریان و سیاستگذاران فرهنگی دانشگاه و اعضای هیأت علمی، همراه با دیدگاه های کلان فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و نوع رویکرد برنامه ها، نقشی اساسی در شکل گیری فضای فرهنگی دانشگاه ها و پویایی این محیط ها خواهد شد و گاه ممکن است به دلیل تأثیر منفی فضای حاکم بر دانشگاه اثرگذاری نامطلوبی را در میزان رغبت و انگیزه فرهنگی دانشجویان داشته باشد. از یکو، بایستی آسیب شناسی اداری و رفع بروکراسی اداری را نیز از نظر دور نداشت. بخشی از آسیب ها و چالش های مربوط به حوزه فعالیت های فرهنگی دانشجویی و فعالان فرهنگی، همچون: بی نظمی، بی برنامه‌گی، نبود راهبرد، نبود اولویت سنجی، نبود مطالعه و آموزش، خودمحموری، کمی سعه صدر، حمایت از همدیگر، توجه ناکافی به کسب مهارت های فرهنگی و هنری، پراکندگی و جزیره ای عمل کردن، افراط و تفریط رفتاری و...، که باعث کاهش انگیزه و پویایی در این عرصه می شود، به عدم توجه بدنه حمایتی دانشگاه در حمایت، هدایت و ساماندهی آنها و کم تعهدی نسبت به آنان برمی گردد (تصدیقی، ۱۳۸۶: ۵۸).

## ۵. خلاقیت و نوآوری فرهنگی در کنار کارآفرینی

خلاقیت و نوآوری فرهنگی می تواند منجر به ایده ها و پدیده هایی شود که تحولی مطلوب و با جذب را به همراه داشته، به فضای فرهنگی دانشگاه، تنوع و پویایی بخشد. از دیگر سو، ایجاد فضای مساعد برای خلاقیت های فرهنگی، خودانگیزه ای برای حضور بخشی از دانشجویان خوش ذوق فرهنگی و هنری دانشگاه خواهد شد (سروآزاد و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۷).

ناگفته پیداست فعالیت در نهادهای دانشجویی اعم از کانون‌های فرهنگی، انجمن‌های علمی و تشکل‌های صنفی، اسلامی و سیاسی، داوطلبانه، غیرانتفاعی و توأم با خلاقیت و خودجوشی است، اما گاه نوآوری‌ها و خلاقیت‌ها به دلیل اصولی نبودن، فاقد تأثیرگذاری لازم است.

خلاقیت و نوآوری فرهنگی از دیدگاه اصولی می‌تواند شامل موارد ذیل باشد:

- راه اندازی کسب و کار کارآفرینانه فرهنگی، اجتماعی، هنری (مثل تولید نرم افزار و صنایع دستی).
- ایجاد ساختارها یا فرآیندهای نوآورانه فرهنگی، اجتماعی در مجموعه کاری (ساختار یا فرآیندی با امکان اختیارات بیشتر، مشارکت پذیری بهتر، تشویق آمیز، تسهیل سازو...).
- فعالیت‌های خلاقانه و متفاوت فرهنگی، اجتماعی (متفاوت بودن و تنوع بخشی به برنامه‌ها).
- ارائه قالب‌ها و شیوه‌های نوآورانه فرهنگی (اجرای برنامه‌های خوب قبلی با شیوه‌ای جدید، خلاقانه و جذاب).
- ایده‌های ساده و خلاقانه فرهنگی دانشجویان (زارع، ۱۳۷۸: ۶۹).

در این صورت، ضمن پویایی مجموعه، زمینه‌انگیزه بیشتری برای کار فرهنگی در کنار تنوع کارکردی و کارآفرینی فراهم می‌شود. بهتر است خلاقیت در همه کارها و حتی برنامه‌های کوچک، مثل عنوان فراخوان‌ها و نام برنامه‌ها نیز مورد توجه باشد. به عبارتی، در انتخاب نام و عنوان، چه برای تشکل و چه برای برنامه، ذوق و خلاقیت به خرج داده شود، مثلاً نام گلبرگ‌ها یا دختران ایران زمین بجای کانون حجاب یا نام مهرورزان یا نیکان بجای عنوان خیریه، می‌تواند جذاب‌تر و انگیزه‌بخش‌تر باشد. باید اضافه کرد که اگرچه نوآوری و خلاقیت به مفهوم صحیح و روش علمی آن، در بسیاری از موارد به کارآفرینی نیز منجر می‌شود، با این وجود در نوآوری فرهنگی و اجتماعی باید به هدف و رویکرد کارآفرینی تأکید ورزید تا به واسطه منافع مادی و معنوی حاصل از آن، انگیزه بیشتری در عرصه کارآفرینی فرهنگی فراهم شود (ایمانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۴).

## ۶. توسعه مشارکت و گروه‌های فعال دانشجویی

در کنار مفهوم تولید فرهنگی و مصرف فرهنگی، آنچه از دیدگاه یونسکو اهمیت بیشتری دارد، مشارکت اجتماعی است که برای تحقق منافع مشترک و توسعه جوامع از اهمیت بالایی برخوردار است. در کشور کانادا برای مشارکت پذیری دانشجویان، آنان را در طرح‌های توسعه بین‌الملل با جهت‌گیری خاص و تبدیل شدن به شهروند جهانی درگیری می‌کنند (زارع، ۱۳۷۸: ۷۰).

دوران دانشجویی، اوج جامعه‌پذیری است که با همانندسازی دانشجویان با الگوها و هنجارهای اجتماعی، تحقق می‌یابد و زمینه‌ساز بالندگی یا انحراف او می‌شود و این در قالب یک مشارکت اجتماعی مثبت یا گاه منفی شکل می‌گیرد. اما در نهادهای فرهنگی دانشجویان و به ویژه انجمن‌های علمی، به دلیل وجود ساختار صحیح و کارکردهای مشخص و درست، اغلب مشارکت‌ها مثبت و مطلوب است. باید توجه داشت که توسعه فرهنگی به صورت واقعی زمانی انجام می‌پذیرد که افراد در کلیه زمینه‌ها با هم مشارکت داشته باشند و از مهمترین کارکردهای مهم فرهنگ: انسجام بخشی، هویت بخشی گروهی، پرورش شخصیت و سازگاری با محیط اجتماعی است که در روند مشارکت‌پذیری تحقق می‌یابد (خاشعی، ۱۳۹۸: ۱۳۷).

از جمله راهکارهای بسط مشارکت در نهادهای فعال دانشجویی، آشنا کردن دانشجویان با جایگاه‌ها و مسئولیت‌ها و امور فعالیت‌های نهادها و تشکل‌های دانشجویی، توجه و اطلاع‌رسانی به دانشجویان تازه‌وارد برای آشنایی با کارکردها و دستاوردها و طراحی طیف وسیعی از فعالیت‌های متنوع فرهنگی، ادبی، علمی، هنری و اجتماعی و نیز تقویت ارتباطات فرهنگی دانشگاه‌ها با نهادها و سازمان‌های مرتبط از طریق جلب همکاری و عقد تفاهم‌نامه در راستای توسعه فعالیت‌هاست (زارع، ۱۳۷۸: ۷۱). البته باید اذعان کرد که راهکارهای متعددی برای جلب یا افزایش و بسط مشارکت در نهادهای فرهنگی دانشجویی وجود دارد که با وجود همانندی در کلیات، به تناسب شرایط محیطی و کاری می‌توانند متفاوت نیز باشند. سه اصل مهم مشارکت نیروهای اجتماعی را به صورت ذیل بر شمرده‌اند:

الف) درگیری و مشارکت ذهنی و عاطفی.

ب) انگیزش برای یاری‌رسانی.

ج) پذیرش مسئولیت (ر.ک: ملکان، ۱۳۹۱: ۴۰-۴۳).

هرچند به نظر می‌رسد عوامل دیگری نیز در فرآیند مشارکت و پویایی مؤثر باشند. راهکارهای افزایش مشارکت در نهادهای فرهنگی و مردمی را اینگونه برشمرده است:

۱. افزایش خودآگاهی فردی و اجتماعی.

۲. خودداری از تحمیل و فشار در جلب مشارکت.

۳. اثربخش کردن مشارکت.

۴. تغییر نگرش نسبت به دولت و حاکمیت و رفع تمرکزگرایی (انصاری، ۱۳۹۱: ۳۲).

نهادهای خودجوش دانشجویی در مجموعه معاونت فرهنگی و اجتماعی و در همه محیط‌های دانشجویی، بستر مناسبی برای تمرین و توسعه مشارکت و انجام فعالیت‌های جمعی مورد توافق است که این مشارکت می‌تواند توأم با خلاقیت و تولید فرهنگی باشد و خود، ایجاد انگیزه لازم برای تداوم و کیفی‌سازی مشارکت و پویایی محیط کاری را به وجود آورده، پیش‌برنده توسعه فرهنگی باشد. اتخاذ تصمیماتی که برای همه یا اکثر دانشجویان مهم و مفید باشد و انعطاف‌پذیری برای امکان جذب هرچه بیشتر افراد و به عبارتی، پوشش حداکثری تمایلات و سلائق فرهنگی و هنری و اجتماعی دانشجویان نیز ثمربخش خواهد بود (ر.ک: ملکان، ۱۳۹۱: ۴۰-۴۳).

از سوی دیگر، ایجاد گروه‌های دانشجویی فعال، یکی از ارکان توسعه مشارکت و شاید مهمترین آن باشد. مشارکت دانشجویان در عرصه‌های علمی، فرهنگی و هنری، به عنوان ضرورت اجرای پروژه‌ها و برنامه‌های دانشجویی، نیاز به تشکیل گروه‌ها و تیم‌های دانشجویی دارد تا در بخش‌های مختلف یک برنامه علمی، فرهنگی یا هنری، بنا به ذوق، علاقه و توانمندی خود فعالیت کنند. تشکیل صحیح این گروه‌های کاری، ضمن کمک به پیشرفت برنامه‌ها، مسشیر حضور افراد با انگیزه‌ها و علاقمندی‌های متفاوت‌تر و بیشتری را هموار خواهد ساخت (قاسمی، ۱۳۸۹: ۱۹).

## ۷. برنامه ریزی منسجم فرهنگی توأم با ایجاد آرشو تجارب کاری

برنامه ریزی اصولی و منسجم فرهنگی، از ارکان مهم برای پویا و پر تکاپو کردن محیط کار فرهنگی و اثربخش ساختن برنامه های فرهنگی، اجتماعی اجرایی در این محیط هاست. چارچوب مدیریت در حوزه فرهنگی و اجتماعی، شامل برنامه ریزی، سازماندهی و مشارکت، هدایت خلاقانه و نظارت و ارزیابی است (زارع، ۱۳۷۸: ۷۱) و باید به دو نوع برنامه ریزی کاربردی در حوزه فرهنگ توجه داشت:

الف) برنامه ریزی راهبردی

ب) برنامه ریزی عملیاتی

و به گونه ای برنامه ریزی کرد که نقش دانشجو در آن بیش از پیش پررنگ تر باشد و همچنین، انسجام برنامه ها با در نظر داشتن طیف مختلف و متنوع نهادهای فرهنگی دانشجویی انجام پذیرد.

برنامه ریزی راهبردی با سطوح کلی تر و بلندتر و برنامه ریزی عملیاتی با سطح جزئی تر و کارکردی تر در ارتباط است. در واقع، برنامه ریزی راهبردی به دنبال کارهای درست و برنامه ریزی عملیاتی به دنبال درست انجام دادن کارها است و توجه به این امر، باعث تدوین و اجرای برنامه هایی خواهد شد که انگیزه دانشجویان را در مشارکت اجرایی برنامه ها یا استفاده از محتوای این برنامه های فرهنگی بیشتر خواهد ساخت. اما قبل از برنامه ریزی، لازم است چشم انداز و راهبردها که ناظر بر سیاست های کلی و اولویت هاسی سازمانی است، مشخص شوند، چیزی که در بیشتر مواقع و بیشتر نهادهای فرهنگی دانشگاه مورد غفلت واقع می شود (ر.ک: علیان، ۱۳۸۸: ۲۷-۲۸).

دو نکته بسیار مهم در مبحث برنامه ریزی فرهنگی، که علاوه بر آنچه گفته شد بایستی مورد توجه قرار داد، این است که:

اولاً) برای برنامه ریزی مطلوب و مؤثر که پلی بین وضعیت فعلی تا وضعیت مطلوب است، باید به تمام ظرفیت ها توجه کرد.



ثانیاً) بهتر است در برنامه ریزی، کارگروه های ذیل هر نهاد دانشجویی، ضمن توجه به الگوهای فرهنگی توسعه محور، الگوهای کار فرهنگی که مبتنی بر فلسفه شکل گیری آنان است، مورد توجه قرار گیرند (قاسمی، ۱۳۸۹: ۲۷).

#### ۸. ضرورت مدل اسلامی برای برنامه ریزی گرایش فرهنگی دانشگاهیان

مدل فرهنگی لزوماً مبتنی بر مبانی و متناسب با اهدافی تنظیم گشته است. مبنا یعنی پایگاه صحت تناسبات مجموعه و ریشه ای که مفسر تغییرات مجموعه است و هدف یعنی نقطه ای که پس از تغییرات مجموعه باید بدان رسید. در مقوله فرهنگ آنچه مبنای تنظیمات فرهنگی است تعریف فرهنگ، تعیین جایگاه آن در جامعه و کار و ساز پیدایش و گسترش آن بر مبنای جامعه شناسی اسلامی می باشد (متقی و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۴).

تفسیر تکامل جامعه نیز بر مجموعه تکامل تاریخ صورت می گیرد و تحلیل تاریخ و جامعه بر روی هم براساس فلسفه انجام می پذیرد (همان: ۳۵). علاوه بر چرایی و چیستی خلقت، که قدرت تحلیل چگونگی حرکت را به معنای عام خود دارد - که از آن به «فلسفه چگونگی» تعبیر می نماییم - حال اگر مبتنی بر معارف اسلامی، فلسفه تاریخ و مبدأ ایجاد و گسترش جامعه تفاوت نمود- که در این مقاله گنجایش شرح آن نیست - مبنای فرهنگ در جامعه اسلامی تفاوت نموده است. در جانب هدف نیز تفاوت‌های روشن تری به چشم می خورد.

در فرهنگ اسلامی اهداف بلند و متعالی دنبال می گردد که به برخی موارد آن اشاره می نماییم، تقویت بینش توحیدی و استوار کردن تمامی شوون و عرصه های حیات فردی و اجتماعی بر آن، اصالت یافتن ارزش های معنوی و فضایل اخلاقی همچون تقوا، علم، جهاد و...، انطباق کلیه فعالیت ها با موازین الهی و اسلامی و پاکسازی جامعه از مظاهر آشکار معارض با احکام ارزش های دینی (هم چون روابط ناسالم زن و مرد، پوشش و آرایش نامناسب و...)، حصول استقلال کامل فرهنگی، تقویت روحیه زهد، ساده زیستی و قناعت، ضد ارزش شدن لهو و لعب، تجمل گرایی و مصرف گرایی، صدور فرهنگی انقلاب و اسلام ناب، تقویت مشارکت مردمی و امثال آن. موارد یاد شده یا در فرهنگ منحط مادی به

عنوان هدف مطرح نیست و یا تنها شعار آن داده می‌شود. البته وجود دارد مواردی که در فرهنگ غنی اسلامی به عنوان ارزش مطرح است و خود بدان عمل نمی‌کنیم و در جوامع غربی به دلایلی تحقق یافته است (کوشا، ۱۳۷۸: ۱۷).

### ۳-۳. تبیین چالش‌های فرهنگی - اجتماعی در دانشگاه‌ها

در نظام آموزشی کشور اعم از مدارس و دانشگاه‌ها صرفاً به حفظ و انتقال تعاریف و مفاهیم اکتفا می‌شود و هیچگونه تلاشی جهت ایجاد روحیه خلاقیت و نوآوری و تولید مفاهیم و یا حداقل مشارکت در تولید مفاهیم صورت نمی‌پذیرد و شیوه ارزشیابی و ارزش‌گذاری معلومات نیز صرفاً مبتنی بر محفوظات و انتقال آنهاست، مانند آنچه در انواع کنکورها اتفاق می‌افتد. از اینرو تولید اندیشه و فکر در جامعه تقریباً تعطیل گشته و با وارد کردن انواع اصطلاحات سیاسی و علمی و مکاتب فلسفی به فرهنگ خود، نظام تقلید و مصرف در فرهنگ، تفکر و اندیشه دایر شده است (قاسمی، ۱۳۸۹: ۲۹). لذا موارد ذیل را می‌توان جزء آسیب‌های فرهنگی برشمرد که عبارتند از:

- عدم جلب مشارکت همه متفکران و فرهیختگان کشور و عدم بهره‌برداری از مجموع توانمندی‌ها و ظرفیت‌های فکری و فرهنگی جامعه برای برنامه‌ریزی و فرهنگی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی به دلیل برخوردهای حزبی و جناحی.
- مهاجرت سالانه بخشی از متخصصان کشور و کاسته شدن از توانمندی‌های علمی جامعه (فرار مغزها).
- تهاجم گسترده فرهنگی غرب که توسط رسانه‌های جهانی و با کمک فناوری‌های جدید تا زوایای خانواده‌های ایرانی نفوذ می‌کند.

- رواج علم زدگی و مدرک گرایی نزد دانشجویان و روشنفکران که حاکی از سطحی بودن اطلاعات و معلومات علمی و فقدان روحیه خالقیت و نوآوری است.
- مورد حمله قرار گرفتن ارزش های دینی و سنت های فرهنگی تحت عناوین روشنفکری و علم باوری.
- جدایی و گسیختگی فکری حوزه و دانشگاه که موجب شده است تعارض ها و تضادهای نگرشی و گرایشی این دو بخش علمی و فرهنگی جامعه درباره موضوعات خطیر فرهنگی و اقتصادی برطرف نگردد و به بحرانها و چالش های فرهنگی و اقتصادی جامعه بیش از پیش دامن بزند.
- جامعه از نظر علمی و تکنولوژیک تسلیم و مقهور غرب است و تالش سازمان یافته ای به جز در فناوری های انرژی هسته ای و چند بخش دیگر جهت بومی کردن علم و فناوری آن طور که شاید و باید صورت نمی پذیرد.
- رواج فرهنگ اشرافی گری و تجمل گرایی در جامعه به ویژه میان برخی مسئولان و صاحب منصبان.
- فروپاشی بسیاری از ارزش های اخلاقی و تبدیل شدن ناهنجاری های رفتاری به هنجاری های فرهنگی. - فقدان مطالعات و پژوهش های هدفمند برای تعریف هویت فرهنگی و تاریخی خود و اکتفا به آنچه تحت عنوان شرق شناسی درباره فرهنگ ایران ترویج شده است.
- رواج بی مبالاتی در رفتار دخترها و پسرها و حتی روابط جنسی میان آنها که موجب آسیب های عاطفی، روانی و حتی فیزیکی می شود.
- شیوع روز افزون اعتیاد به انواع مواد مخدر در جامعه به ویژه میان جوانان که آسیب های جبران ناپذیر فرهنگی و اجتماعی در پی دارد.

- تعارض میان ارزش‌ها و سنت‌های فرهنگی بومی از یک سو و ارزش‌ها و الگوهای فرهنگی مهاجم غرب از سوی دیگر در دانشگاه و آثار و پیامدهای این تعارضات فرهنگی برای کشور (بقایی پور و رمضان نژاد، ۱۳۸۵: ۶۴).

#### ۴-۳. میزان تأثیرگذاری تاب‌آوری دانشجویان در امور فرهنگی

تاب‌آوری، مهارتی است مناسب برای پشت سر گذاشتن مشکلات زندگی حتی وقتی که شرایط نامطلوب و سخت وجود دارد. تاب‌آوری ویژگی یا خصلتی نیست که برخی دارای آن باشند و برخی آنرا نداشته باشند، به بیان دقیق‌تر، تاب‌آوری بیانگر تعاملی بین انسان و محیط است. تاب‌آوری اشاره به ایستادگی در برابر خطر دارد اما یک پدیده تدریجی است و انباشت خطر می‌تواند حتی تاب‌آورترین افراد را نیز مغلوب سازد.

**ماهیت تاب‌آوری فرهنگی:** تاب‌آوری فرهنگی را می‌توان مجموعه‌ای از دانش‌ها، سنت‌ها، باورها، داشته‌ها یا سرمایه‌های به جای مانده از گذشته، نوعی از احترام به منابع بومی، مهارت‌ها، تجارب، ارزش‌ها، پیوندهای درون اجتماع بومی از یک طرف که در کل می‌توان آنها را تحت عنوان میراث فرهنگی گذشته نام گذاری کرد و از طرف دیگر، عناصری که در شرایط جدید در قالب هویت، آگاهی، باور به اجتماع بومی خود، معرفت از اهمیت عناصر بر جای مانده‌اند، که می‌توان به عنوان میراث امروزی نام برد، تعریف کرد. به عبارت دیگر، مجموعه‌ای از میراث گذشته و میراث امروزی که به کمک تاب‌آوری می‌آیند را می‌توان «تاب‌آوری فرهنگی» در نظر گرفت.

با توجه به این عناصر فرهنگی در یک اجتماع، پایداری و استقامت افزایش می‌یابد. معیشت سنتی وقتی که مشکلات رخ می‌دهد، قواعدی را برای نظارت بر استفاده و احترام به منابع شان و تعهداتشان فراهم می‌کند. سنت‌های فرهنگی در جامعه رونق می‌یابد و بنابراین، جنبه‌های خلاق، فعال و تجربی مردم را تشکیل می‌دهد. البته باید این نکته را یادآور شد که سنت‌ها تنها یک رسم منفعلانه نیست، بلکه به طور فعال عمل می‌کنند. سنت‌های فرهنگی همیشه در تقویت راهبردهای معیشتی و مقاومت‌های خانوار، مؤثر نیستند. در برخی مثال‌ها، سنت‌های مردم سازگاری شان را در زمان‌های دشواری، تضعیف می‌کند.

برخی از موقعیت‌های غیرقابل کنترل می‌توانند مردم را وادار کنند تا مهارت‌های به ارث برده شده را رها کنند و به منابع دیگر درآمد حرکت کنند. این موقعیت‌های غیر قابل کنترل، چالش‌هایی است که جوامع با آن روبرو می‌شوند.

**اهمیت تاب‌آوری در امور فرهنگی:** اهمیت «تاب‌آوری فرهنگی» به عنوان یک مفهوم تحلیلی به نقش فرهنگ و زمینه فرهنگی تأکید دارد. تاب‌آوری فرهنگی در زمینه دستیابی به سیستم معیشتی پایدار در محیط اجتماعی است. در بحث تاب‌آوری فرهنگی باید این امر را تأکید کرد که چگونه عوامل فرهنگی نقشی را در موفقیت سازگاری ایفا می‌کند و براساس شبکه‌ای از اعمال اقدامات متقابل، تعهدات و درخواست‌ها و دارایی‌ها پویایی سازگاری و تطبیق را برجسته می‌سازد.

برخی محققین بررسی کرده‌اند که چگونه انسان‌ها با پیچیدگی تغییر در جهان معاصر، کنش و تعامل دارند و یا می‌توانند در این سازگاری دوام آورند. تاب‌آوری فرهنگی در دستیابی به پایداری یک اجتماع مهم و حیاتی است. جوامع محلی از طریق بسیج و مدیریت داشته‌های شان برای تاب‌آوردن فرهنگشان در برابر با سختی‌ها تلاش می‌کنند. تاب‌آوری فرهنگی نوعی تقویت بخشی فرهنگ و سنت‌ها به عنوان منبعی که پافشاری و مقاومت در برابر آسیب‌پذیری‌های معیشتی را قادر می‌سازد، است. به نوعی، تاب‌آوری فرهنگی همان راهبردهای تطبیق آن فرهنگ با تغییرات است.

هر اجتماعی برای تاب‌آوری فرهنگی از راهبردهایی استفاده می‌کند. این راهبردها می‌توانند آگاهانه یا نا آگاهانه باشد. راهبردهای آگاهانه از طریق انتخاب‌ها تعیین می‌شود. برخی از این راهبردها، غیرداوطلبانه است یعنی فعالیت‌های «غیرقصدمندانه». تاب‌آوری فرهنگی همان ترجمه مردم از تنوع فرهنگی به فرصت‌های معیشتی، زیست‌محیطی و غیره است. سامانه‌های اجتماعی-فرهنگی می‌توانند شامل دانش سنتی، مهارت‌ها، تجارت، ارزش‌ها، آداب و رسوم و نگرش‌ها برای بقای خودشان باشد. این‌ها نوعی توانایی‌شان برای سازگارشدن با فشارهای بیرونی و اختلالات از طریق شیوه‌ی خودشان است که در طی نسلها به دست می‌آید.

اهمیت فرهنگ در بسیاری از زمینه‌ها، امری کاملاً پذیرفته شده است. درک مخاطرات و نیازهای امنیتی تا حدود زیادی وابسته به فرهنگ است که ارتباط نزدیکی با ارزش‌ها و تاب‌آوری دارد. اگر قرار است تاب‌آوری یک ویژگی مهم جوامع آینده باشد پس «بعد فرهنگی» با تمام دلالت‌هایش بر مفاهیم خلاقیت و تنوع باید در نظر گرفته شود.

امروزه برای گسترش و تعمیق آگاهی در مورد نقش تاب‌آوری در زندگی ما و ایجاد راه‌حل‌های انعطاف‌پذیر مجموعه دیگری از اصطلاحات باید خلق شوند. کلماتی که به لطف آنها معلوم شود که انعطاف‌پذیری چگونه ابتدا به تخیل ما و سپس به گفتمان اجتماعی و فرهنگی ما وارد می‌شود. با نگاه فرهنگی، تاب‌آوری و راه‌حل‌های تاب‌آورانه، پتانسیل بیشتر و ظرفیت قوی‌تری پیدا می‌کنند. این اصطلاحات کاملاً ریشه در فرهنگ محلی دارند. تاب‌آوری در هر فرهنگ، مفاهیم مخصوص به خود را دارد. ریسک‌پذیری، عدم قطعیت، پذیرش اشتباه، خلاقیت، نوآوری، انعطاف‌پذیری، انطباق‌پذیری، احیا و بازسازی و انتظام بخشی تنها قسمتی از مفاهیم مرتبط با فرهنگ تاب‌آوری هستند.

سهم عمده تاب‌آوری کلی از فرهنگ سرچشمه می‌گیرد. ایجاد و حفظ انعطاف‌پذیری و تاب‌آوری فردی و سازمانی در مواجهه با وضعیت‌های غیرمنتظره و اختلالی، می‌تواند تاثیر بسیار مهم‌تری داشته باشد. انعطاف‌پذیری در اینجا شامل عناصری مانند انسجام یا توان گرفتن تصمیمات سودمند جمعی، قابلیت انطباق یا بازطراحی ساختار، چابکی یا قدرت تصمیم‌گیری و اجرای آنها با سرعت بالا، ارتباط مداوم و مستمر با ذینفعان، اعتبار و اطمینان‌بخشی و اعتمادسازی است. امروزه سازمان‌ها اذعان دارند که سهم عمده تاب‌آوری، از فرهنگ سرچشمه می‌گیرد و درعین حال، بیشترین تهدیدات و مخاطرات برای تاب‌آوری آنها نیز متوجه فرهنگ سازمانی آنها است در نتیجه، عمده تمرکز آنها نیز به طور طبیعی بر حوزه فرهنگ خواهد بود. در واقع هیچ سازمانی نمی‌تواند تاب‌آوری بالایی داشته باشد مگر اینکه این امر را در هسته «فرهنگ سازمانی» خود نهادینه کرده باشد.

#### ۴. نتیجه‌گیری

مطالعه عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان در برنامه های فرهنگی، از این نظر اهمیت شایانی دارد که تعالی و اثربخشی برنامه های فرهنگی، به مشارکت و پویایی فضای فرهنگی و وجود انگیزه در انجام امور فرهنگی و اجتماعی وابسته است و اگر محیط کار فرهنگی پویا نباشد، در فراهم ترین شرایط هم، اثر ماندگارش را نخواهد گذاشت. از یک سو، رکود فعالیت های فرهنگی دانشجویان، بیشتر به عدم تحقق شرایط مناسب برای ایجاد و دوام انگیزه فعالیت آنان برمی گردد. فعالیت فرهنگی باید هم تحول گرا باشد و هم تعالی گرا، تا پویایی لازم را تأمین کند. برخی از عوامل مطالعه شده در این تحقیق، بیش از سایر عوامل در پویایی و انگیزه بخشی دخالت دارند که باید به آنها، به طور خاص توجه و اهتمام ورزید، از آن جمله: نیازسنجی و ظرفیتسازي متناسب با عالیق دانشجو در فعالیت های گوناگون فرهنگی، اجتماعی و برگزاری دوره های آموزشی مهارت آموزی و نیز توجه به ارتقای سطح مهارت های فردی دانشجویان است که در کنار احساس تجربه اندوزی مفید توسط آنها، در حین انجام فعالیت های فرهنگی و اجتماعی، بستر مناسبی برای ایجاد رغبت به اینگونه فعالیت ها فراهم می کند و با تربیت نیروی زبده، امکان ارتقای سطح برنامه ها را نیز فراهم می سازد.

از دیگر عوامل مهمی که در ایجاد انگیزش در امور فرهنگی یاری رساننده و به روند پویایی و نشاط در عرصه فرهنگی سرعت می بخشد، استفاده از ابزار پرمخاطب فضای مجازی بوده که لازم است با اتخاذ رویکرد هدایتی و نظارتی، زمینه نشاط و پویایی در این فضا را در کنار استفاده سالم و رشد محور از آن، مورد عنایت قرار داد. برنامه ریزی اصولی و راهبردی و مبتنی بر چشم انداز مشخص، از دیگر عواملی است که امکان انسجام و پویایی محیط فرهنگی و اثربخش تر و رضایتمندتر کردن برنامه ها و فعالیت ها را میسر می کند. همچنین نهادینه سازی تجربیات با داشتن آرشیو مستندات عملکرد، از طریق امکان ارزیابی و آگاهی از نقاط ضعف و قوت، الهام بخشی برنامه های مخاطب پذیرتر و مؤثرتر و برنامه ریزی منطبق بر تجارب پیشین، رشد و پویایی فرهنگی قابل توجهی را به همراه خواهد داشت. جوامع بارویکرد تاب‌آوری فرهنگی، باید با استفاده از ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه و نیز ویژگی‌های مثبت موجود در فرهنگ‌ها، خرده فرهنگ‌ها، فرهنگ‌های محلی و فرهنگ سازمانی، آستانه تحمل فردی، اجتماعی و

ارگانیک را جهت مقابله و مدیریت بهتر و مؤثرتر انواع چالش‌ها و به‌ویژه مخاطرات و آسیب‌های ویروس کرونا در همه‌ی عرصه‌های زندگی بشری، بهبود بخشند.

## ۵. پیشنهادها

به‌طور کلی پیشنهادهای اصلی این پژوهش که مبتنی بر نتایج بخش تجربی بوده‌اند، عبارت‌اند از:

۱. توجه بیشتر به کیفیت بهره‌گیری از رسانه‌های جدید ارتباطی توسط دانشجویان و استادان: آموزش‌های مستمر درباره قابلیت‌های نرم‌افزاری رایانه و اینترنت، افزایش سرعت و فراگیر بودن اینترنت در محیط دانشگاه، ارائه خدمات و معرفی منابع علمی و آموزشی اینترنتی، معرفی و تحلیل برنامه‌های گوناگون علمی، سیاسی، اجتماعی و مذهبی تلویزیون ماهواره‌ای در قالب برگزاری جلسه‌های هم‌اندیشی.

۲. ارتقای سطح سرمایه فرهنگی دانشجویان و استادان: فراهم کردن امکانات لازم برای برگزاری دوره‌های آموزش زبان انگلیسی به‌صورت مستمر (به همراه اعطای گواهینامه معتبر)، ضرورت همکاری دانشگاه با سایر نهادها و سازمان‌ها برای ارتقای سطح انواع مهارت‌ها و توانمندی‌های دانشجویان و استادان، تخصیص اعتبار و ارائه تسهیلات بیشتر به دانشجویان و استادان برای تهیه تجهیزات و منابع علمی، آموزشی و فرهنگی.

۳. ضرورت توجه به سطح سلامت اجتماعی دانشجویان و استادان: سنجش مستمر میزان سلامت اجتماعی دانشجویان و استادان، حمایت از برنامه‌ها و فعالیت‌های مراکز روان‌شناختی و مشاوره‌ای دانشگاه.

۴. ضرورت ارتقای سطح مشارکت فرهنگی دانشجویان و استادان: برگزاری جلسات هم‌اندیشی در حاشیه مراسم مذهبی با حضور دانشجویان و استادان، توجه بیشتر به آشنایی دانشجویان و استادان با فعالیت‌های هنری نظیر تئاتر و موسیقی و ارائه تسهیلات برای بهره‌مندی از آنها در سطح دانشگاه و شهر، بالابردن سطح آشنایی دانشجویان با فعالیت‌های هلال‌احمر و ارائه آموزش‌های امدادی.

## منابع

آشوری، داریوش (۱۳۹۷)، تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، تهران: آگاه.



- ابراهیمیان، سیدحسین (۱۳۹۱)، «بازخوانی مفهوم مهندسی فرهنگی و آسیب‌شناسی فرهنگی در نظام آموزش عالی»، مجله مطالعات قدرت نرم، شماره ۵.
- انصاری، محمدمهدی (۱۳۹۱)، «اصول و مبانی فعالیت‌های گروهی در نهادهای فرهنگی و مردمی»، رهنامه آموزش فرهنگی، تهران: جابر.
- ایمانی، جواد و همکاران (۱۳۹۲)، «بررسی رابطه خلاقیت و روحیه کارآفرینی در بین دانشجویان دانشگاه فرهنگیان بندرعباس»، مجموعه مقالات همایش ملی دانشگاه کارآفرین.
- بقائی، نژاد، کسری، رمضان نژاد، محبوبه (۱۳۸۵)، «آسیب‌شناسی مهندسی فرهنگی دانشگاه‌ها، همایش مهندسی فرهنگی.
- تصدیقی، محمدعلی، تصدیقی، فروغ (۱۳۸۶)، «توسعه فرهنگی در ایران: چالش‌ها و راهکارها»، مهندسی فرهنگی، شماره ۷.
- چیت‌ساز، احسان (۱۳۹۷)، الگوهای شایستگی مدیران فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها، تهران: معاون فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم.
- خاشعی، وحید (۱۳۹۰)، طراحی مدل خط و مشی‌گذاری فرهنگی در آموزش عالی، تهران: معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۹۶)، زمینه فرهنگ‌شناسی، تهران: عطار.
- زارع، مریم (۱۳۷۸)، پژوهشی در فرهنگ عمومی، تهران: معاونت پژوهشی و آموزشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- سروآزاد، نوید و همکاران (۱۳۹۲)، آنچه درباره کانون‌های فرهنگی، هنری و اجتماعی باید بدانیم، مشهد: معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه فردوسی.
- سیف‌علی‌اکبر (۱۳۸۴)، روانشناسی پرورشی، تهران: آگاه.

شریعتمداری، علی (۱۳۸۰)، تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

شهابی، محمود، بیات، قدسی (۱۳۹۱)، «اهداف و انگیزه های عضویت کاربران در شبکه های اجتماعی مجازی (مطالعه موردی جوانان شهر تهران)»، فصلنامه مطالعات فرهنگ ارتباطات، شماره ۵۲.

عرب هاشمی، ملیحه و همکاران (۱۳۹۲)، «نیازسنجی فرهنگی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی شمال خراسان»، مجموعه چهارمین همایش ملی نقش و جایگاه مؤسسات فرهنگی هنری در توسعه فرهنگی کشور.

علیان، حسن (۱۳۸۸)، چشم انداز، تهران: جهاد دانشگاهی.

قاسمی، سعید (۱۳۸۹)، برنامه ریزی فعالیت های فرهنگی در شکل ها، مشهد: استان قدس رضوی.

کاظمینی، میرزامحمد (۱۳۹۸)، فرهنگ سازی در دوران معاصر، تهران: انتشارات صحیفه خرد.

کوشا، محمدمهدی (۱۳۸۷)، مشارکت اجتماعی، تهران: معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم تحقیقات و فناوری.

گرامی، غلامحسین، شریف اصفهانی، میثم (۱۳۸۶)، «مهندسی فرهنگی، بایسته ها و راهبردها»، ماهنامه معارف، شماره ۲۵.

متقی، افشین و همکاران (۱۳۸۶)، مدیریت کارآیی و اثربخشی در انجمن های علمی دانشجویی، تهران: جهاد دانشگاهی.

ملکان، مجید (۱۳۹۱)، «مبانی و روش های برنامه ریزی و ساماندهی نیروهای اجتماعی»، رهنامه آموزش فرهنگی، تهران: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران.

وثوقی، منصور، نیک خلق، علی اکبر (۱۳۷۰)، مبانی جامعه شناسی، تهران: فردمند.

ویلیامیز، ریموند (۱۳۹۵)، فرهنگ و جامعه، ترجمه علی اکبر معصوم بیگی و نسترن موسوی، تهران: انتشارات نگاه.

## منابع اینترنتی

پایگاه اطلاع رسانی معنوی، ۱۳۹۱.